

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Martyrs

جانبازان

شمی صلواتی
۱۸ اگست ۲۰۲۲

"روشنک زنگی"

«مخفیگاه نوالان» در دشت شلیر بود که او را برای آخرین بار می دیدم با چند نفر از رفقای گردان مریوان عازم یک مأموریت بود.

روشنک همراه با خشابه‌های پر از گلوله، حمایلش را به کمر بست و کلاشینکف خوش دستش را بر شانه انداخت... مبارزی جسور با اعتماد به نفس خاص، همراه گروه راه افتاد من او را با چشمان تیز جوانی رصد کردم روشنک درحین رفتن با حمه میانه سر گرم صحبت بود، وقتی که از میان انبوه درختان شلیر ناپدید می شد "....." جنبش چپ در کردستان یک جنبش سراسری بود که بر مقاومت انقلابی در برابر آخوندهای تازه به قدرت خزیده تأکید می‌وزید...

حزب کمونیست ایران بر آمده از همین مقاومت، با شعار سوسیالیزم و آزادی شعله‌های بر افروخته از امید برای کنار زدن اسلام سیاسی بود... «تلاشی برای به سنت تبدیل کردن آزادی بی قید و شرط سیاسی.....»

جنبش چپ در کردستان انتخابات آری یا نه به حکومت اسلامی را به رسمیت نشناخت و در آن شرکت نکرد تمام مردم مناطق کردستان در آن شرکت نکردند، وجود آیت‌الله خمینی را به عنوان رهبر ایران در کردستان به رسمیت شناختند.. مقاومت در کردستان بهای بسیار سنگین جانی و مالی برای مردم کردستان داشت.. خاک کردستان آغشته به خون هزاران کمونیست جوان برای رسیدن به یک جامعه انسانی، درجنگی نابرابر با هجوم گله‌های حزب‌الله که با فتوای آیت‌الله خمینی به کردستان سرازیر شده بودند، جان باختند

*البته از یادها نباید برد که حزب دمکرات کردستان عراق به عنوان پیشقراولان حزب اللهی ها «پیشمرگان مسلمان» و حزب دمکرات کردستان ایران به دلیل مماشات و در تلاش برای برقراری ارتباط با رهبران حکومت به این امید که امتیازاتی از حکومت خمینی در جنگ با کمونیست به دست آورد عامل خیانت و دلیل شکست جنبش مقاومت، مانع تبدیل شدن این جنبش به جنبش سراسری شد.....»

*دو روز بعد جسد نیمه جان روشنک به مخفیگاه پس آورد شد در کمین مأموران حکومت اسلامی افتاده بودند دو پای روشنک بشدت زخمی بود با خونریزی شدید که متأسفانه تیم پزشکی کومه له علی رغم تلاش فراوان نتوانستند جان او

را نجات دهند با آخرین ضجه ها از شدت درد در ساعت دو بامداد روشنگ زنگی این قهرمان سرخ گمنام در سکوت شب میان درختان ثوالان چشم از جهان فرو بست.

* هوا روشن بود مراسم دفن روشنگ شروع شد یکی از رفقاء در مورد این زن جوان و جسور سخنرانی کرد و مراسم با شلیک تیرهای هوای پایان یافت.

* من سخت در خود فرو رفته بودم از شدت ناراحتی چند خطی نوشتم:

"قسم می خورم

به وجود پر شور و چشمان ترم

ما نخواهیم گذشت بر خاک بیافتد

تفنگت ...

قسم می خورم

انگشتان زیادی به جای تو، بر ماشه خواهد رفت

خون گرم تو بی انتقام نخواهد ماند"

اگر چه، انتقام تو بدون اهتزاز پرچم سرخ سوسیالیزم و آزادی در تهران معنا نخواهد یافت ..

و ما در این راه استوارتر از هر لحظه گام می برداریم مطمئن باش سواران سرخ این دشت زیبا، تو را از یاد نخواهند برد

راحت پر راهرو باد.. رفیق

پرچم سرخ آزادی با یاد تو افراشته می ماند. پرچمی که قطره هائی از خون جانباختگان آزادی و سوسیالیزم رنگین است بدرو رفیق.

«روشنگ سال ۱۳۴۷ در سنندج به دنیا آمده و در تابستان ۱۳۶۵ در یک درگیری نظامی با متجاوزان در «سیفی خواروو» حومه مریوان جان باخت» ... «

با یاد روشنگ زنگی این کمونیست جانباخته، راه آزادی و سوسیالیزم را پررنگتر ادامه می دهیم

«در نبرد طبقاتی پا پس نمی کشم»

۱۵ اگست ۲۰۲۲ میلادی

شمی صلواتی